فصلنامهٔ علمی مطالعات باستان‌شناسی پارسه
|| شمارهٔ ۱۹ || سال ششم || بهار ۱۴۰۱ ||
P. ISSN: 2645-5048 & E. ISSN: 2645-5706

سفال دورهٔ اشکانی تُم‌مارون، استان هرمزگان

آرمین شیخی[I]
مرتضی حصاری[II]
مصیب امیری[III]

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۹۴ - ۷۵
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹
شناسهٔ دیجیتال (DOI): 10.66224/PJAS.6.19.75

چکیده

سفال را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین داده‌های یافت‌شده در کاوش‌های باستان‌شناسی درراستای کمک به روشن‌شدن مجهولات هر محوطهٔ باستانی و پاسخ‌دهی به پرسش‌ها دانست. این داده بخش مهمی از تعاملات انسانی را در گذشته به‌نمایش می‌گذارد. با بررسی این داده، رهیافت‌های گوناگونی نصیب باستان‌شناس می‌شود که پیش‌شرط آن، هدف‌دار بودن و درست عمل کردن در گونه‌شناسی سفال است. با بررسی سفال دورهٔ اشکانی تم‌مارون در دشت رودان و گسترش انواع آن در خلیج‌فارس، از یک‌سو گسترش فرهنگی اشکانیان در جنوب ایران و ازسوی دیگر به‌واسطهٔ گسترش جغرافیایی آن در جنوب خلیج‌فارس، دریانوردی اشکانی‌ها در سواحل شمال و جنوب خلیج‌فارس اثبات می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، بررسی گونه‌های سفال اشکانی در جنوب ایران و مستند کردن ارتباطات فرهنگی مابین استقرارگاه‌های شمال و جنوب خلیج‌فارس است، سپس ارائهٔ تصویری از دریانوردی در خلیج‌فارس و گسترش فرهنگی اشکانیان در شبه‌جزیرهٔ عربستان به‌تصویر کشیده می‌شود. در این پژوهش گونه‌های سفالی دورهٔ اشکانی تم‌مارون برپایهٔ مستندات کاوش باستان‌شناسی محوطه، بررسی و طبقه‌بندی خواهند شد. مهم‌ترین پرسش این پژوهش، شاخصه‌های سفالی دورهٔ اشکانی تم‌مارون است، سپس به‌دنبال این پرسش هستیم که توسعهٔ فرهنگی دورهٔ اشکانی براساس یافته‌های تم‌مارون تحت چه عواملی شکل‌گرفته است؟ این پژوهش به‌صورت مشخص نشان‌داد که براساس شیوهٔ ساخت، رنگ بدنه و خمیره، در تل‌مارون ۱۰گونهٔ سفال اشکانی قابل طبقه‌بندی است. گونه‌های مشخص‌شده با محوطه‌های سواحل و جزایر شمال خلیج‌فارس مانند جزیرهٔ قشم، منطقهٔ مکران و نیز سواحل جنوبی خلیج‌فارس هم‌چون محوطهٔ ملیحا یک حوزهٔ فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژگان: سفال اشکانی، دشت رودان، تم‌مارون، خلیج‌فارس.

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، واحد تهران‌مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
II. دانشیار گروه باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ، پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول).
mhessari@yahoo.de
III. استادیار گروه باستان‌شناسی تاریخی، پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

مقدمه

بررسی مواد فرهنگی دوره‌های فرهنگی متفاوت در محوطه‌های حاشیهٔ خلیج‌فارس به‌عنوان آبراه تاریخی و راهبردی، همواره موردتوجه زمامداران دور و نزدیک بوده و درطول هزاران سال، محل رفت‌وآمد کشتی‌های فرهنگ و تمدن‌های شرق و غرب عالم بوده است. در این‌میان دشت رودان به‌سبب واقع‌شدن در کرانه و پس‌کرانه‌های خلیج‌فارس و آبراه‌های حیاتی و راهبردی آن، یعنی تنگهٔ هرمز، درطول تاریخ هم ازمنظر تاریخی-فرهنگی و هم سیاسی-اجتماعی و البته اقتصادی از اهمیت و جایگاه بسیار مهمی برخوردار بوده است (حصاری، ۱۳۹۸).

تم‌مارون براساس بررسی و سپس کاوش‌های باستان‌شناسی «سیامک سرلک» در دشت رودان استان هرمزگان، شناسایی و معرفی شد (سرلک، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۸).

هدف از انجام این پژوهش، بررسی گونه‌های سفال اشکانی در جنوب ایران و مستند کردن ارتباطات فرهنگی مابین استقرارگاه‌های شمال و جنوب خلیج‌فارس است. درهمین چارچوب تعاملات فرهنگی در این دوره بحث خواهد شد تا تصویری مناسب از ارتباط‌های دو سوی سواحل خلیج‌فارس که نشان از گسترش فرهنگی اشکانی‌ها به‌واسطهٔ دریانوردی در خلیج‌فارس بوده است، به تصویر کشیده شود. در این پژوهش گونه‌های سفالی دورهٔ اشکانی تم‌مارون برپایهٔ مستندات کاوش باستان‌شناسی محوطه، بررسی و طبقه‌بندی خواهند شد.

پرسش‌های پژوهش: مهم‌ترین پرسش این پژوهش، شاخصه‌های سفالی دورهٔ اشکانی تم‌مارون است. پراکنش این گونه‌ها می‌تواند نشان از تعاملات فرهنگی در دو سوی خلیج‌فارس باشد؟ سپس توسعهٔ فرهنگی دورهٔ اشکانی براساس یافته‌های تم‌مارون تحت چه عواملی شکل گرفته است؟ این پژوهش به‌صورت مشخص نشان‌داد که براساس شیوهٔ ساخت، رنگ بدنه و خمیره در تم‌مارون، ۱۰گونهٔ سفال اشکانی قابل طبقه‌بندی است. گونه‌های مشخص‌شده با محوطه‌های سواحل و جزایر شمال خلیج‌فارس مانند جزیرهٔ قشم، منطقهٔ مکران و نیز سواحل جنوبی خلیج‌فارس هم‌چون محوطهٔ ملیحا یک حوزهٔ فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

روش پژوهش: در این پژوهش روش انجام کار براساس رویکرد تاریخ فرهنگی است. این رویکرد بین‌رشته‌ای، دو حوزهٔ علوم انسانی، یعنی تاریخ و فرهنگ را با یکدیگر و در تعامل با هم قرار داده است؛ به‌طور کلی، مورخ فرهنگی سعی در فهم پیوند هنرهای مختلف جوامع انسانی دارد. نگارندگان با کمک این رویکرد سعی در فهم ارتباط میان شکل و ساختار دورهٔ اشکانی دشت رودان با استقرارگاه‌های هم‌افق حوزهٔ جغرافیایی مورد مطالعه دارند؛ لذا یافته‌های موردمطالعه براساس نمونه‌های به‌دست‌آمده از بررسی و کاوش تم‌مارون است و یافته‌های موردمطالعه پس از گونه‌شناسی و مقایسهٔ تطبیقی با روش تاریخ فرهنگی، در این حوزهٔ فرهنگی موردمطالعه قرار می‌گیرند.

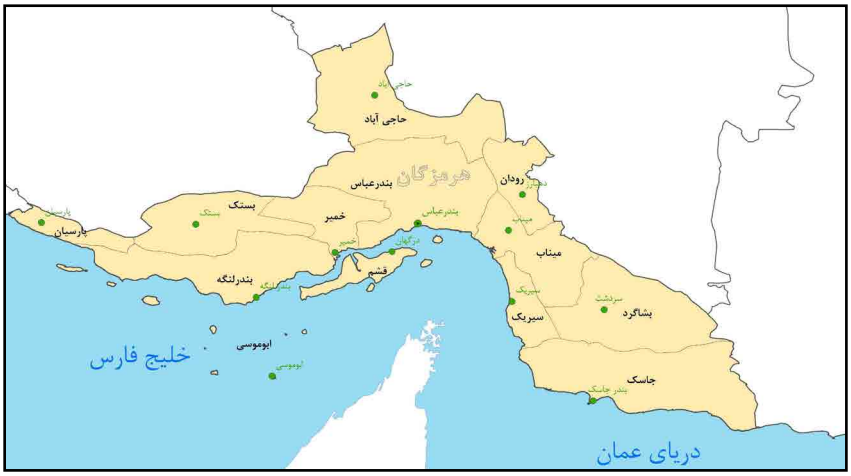
موقعیت جغرافیایی دشت رودان

استان هرمزگان به‌صورت باریکه‌ای از شمال‌غربی به‌سمت جنوب‌شرقی در جنوب ایران و در سواحل شمالی دریای عمان و خلیج‌فارس و مسلط بر تنگهٔ هرمز قراردارد. در این‌میان شهرستان رودان در تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶ هـ.ش.، با نام دهستان رودان احمدی در استان جنوبی و شهرستان عباسی قرارداشت و در سال ۱۳۲۳ هـ.ش.، جزو استان هشتم بندرعباس در بخش میناب بود و در ۱۳۲۵ هـ.ش.، رودان احمدی بلوکی در ولایت فارس بود (سدیدالسلطنه‌کبابی، ۱۳۶۳: ۵۷۷-۵۸۸). در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ هـ.ش.، رودان دهستانی در استان و فرمانداری کل ساحلی بنادر و جزایر خلیج‌فارس به‌حساب می‌آمد (اصلاح‌عربانی، ۱۳۴۵: ۴۸۴). در تقسیمات کشوری آن زمان

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

بیشترین گسترهٔ استان هرمزگان تا سال ۱۳۴۵ هـ.ش.، در محدودهٔ استان کرمان قرارداشت. در سال ۱۳۴۶ هـ.ش.، هرمزگان از استان کرمان جدا شد. رودان در ۱۳۶۵ هـ.ش.، دهستانی در بخش رودان احمدی در شهرستان میناب و تابع استان هرمزگان بود (رزم‌آرا، ۱۳۵۵: ۱۲۸)، (نقشه ۱).



نقشهٔ ۱. موقعیت جغرافیایی رودان استان هرمزگان (نگارندگان، ۱۴۰۰).

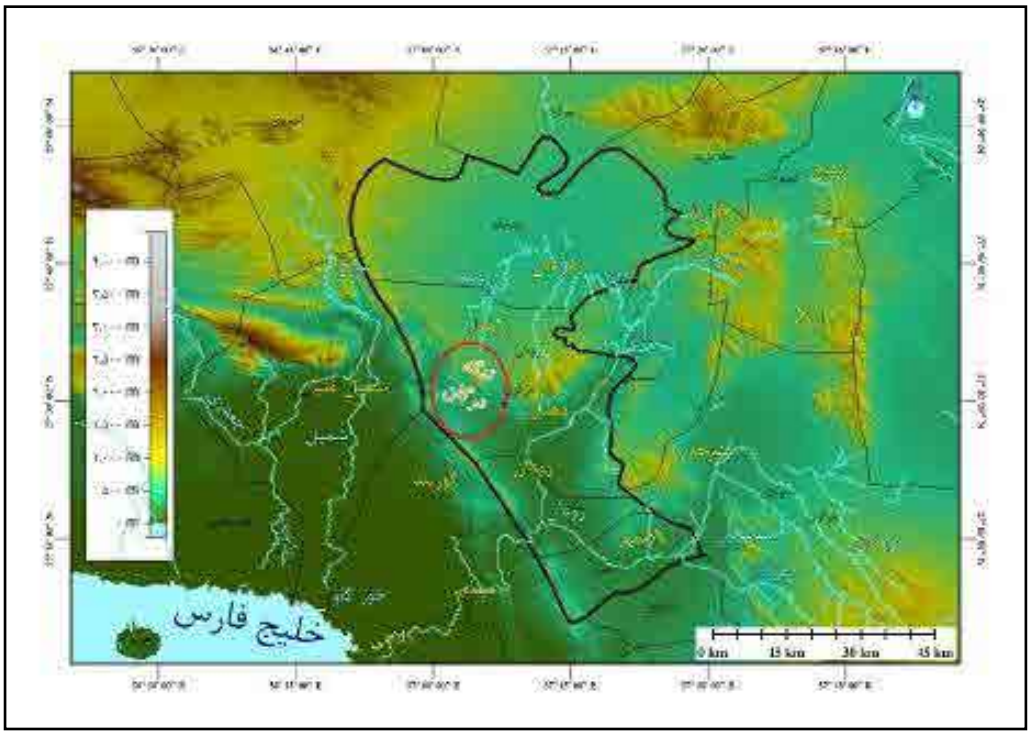
تنگهٔ رودان در شمال‌غربی شهرستان میناب، ارتباط منطقهٔ شمال میناب را با مناطق شمالی‌تر و معبر جنوبی (میناب-بشاگرد) با فرهنگ درهٔ سند برقرار می‌کرده است. جریان هوای مدیترانه‌ای که از شمال‌غرب وارد نجد ایران می‌شود، تأثیر زیادی بر بارش زمستانی منطقه دارد. بررسی‌های باستان‌شناسی دشت میناب با بررسی ساحل تا رودخانهٔ حسن‌لنگی، هفت حوضهٔ سیلابی وسیع را تشخیص داده است. در شهرستان میناب، این دشت با طول حدود ۱۵۰ کیلومتر و عرض نسبی ۲۵ کیلومتر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دشت‌های ساحلی جنوب ایران به‌شمار می‌آید (سرلک و عقیلی، ۱۳۹۲: ۲۰). مهم‌ترین رودخانهٔ منطقه، رود میناب است. این رودخانه در طی مسیر خود از لایه‌های زمین‌ساختی «گابروی بند زیارت» گذشته و سپس از لایه‌های سنگ‌های آهکی دورکان و لایه‌های ائوسن عبور می‌کند و قبل از آن‌که رودخانهٔ منوجان به جویبارهای غیرقابل کنترل برسد، به‌سمت شمال‌غربی می‌پیچد (نقشهٔ ۲؛ تصویر ۱)، (Mac call, 1985: 29).

پیشینهٔ مطالعات باستان‌شناسی کرانه‌های خلیج‌فارس با تأکید بر دورهٔ اشکانی

کرانه‌های شمالی خلیج‌فارس از تنگهٔ هرمز آغاز و تا رودخانهٔ اروند ادامه می‌یابد. خلیج‌فارس دارای ۱۰۰۰ کیلومتر طول و ۲۰۰ تا ۳۵۰ کیلومتر پهناست که در تنگهٔ هرمز به حدود ۶۰ کیلومتر کاهش می‌یابد. سواحل شمالی خلیج‌فارس به‌خاطر شرایط مناسب‌تری که داراست، بیشتر از سواحل جنوبی خلیج‌فارس موردتوجه اجتماعات انسانی و فعالیت‌های اقتصادی و تجاری قرار گرفته است. در سواحل شمالی طی دهه‌های گذشته پژوهش‌های میدانی بسیاری شکل گرفته که بیشتر این فعالیت‌های علمی در دو دههٔ قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رخ‌داده است. در سواحل جنوبی خلیج‌فارس طی دهه‌های اخیر کاوش‌ها و بررسی‌های متعددی در کشورهای امارات‌متحده، بحرین، عمان و قطر انجام‌گرفته و نتایج این کاوش‌ها و بررسی‌ها در پژوهش‌های مختلفی هم‌چون کتاب و مقالات به چاپ رسیده است. مطالعات صورت‌گرفته در سواحل شمالی به‌نسبت در کشورهای حوضهٔ سواحل جنوبی بسیار اندک است. در ادامه به پژوهش‌های انجام‌گرفته مربوط به دورهٔ اشکانی در سواحل شمالی و جنوبی خلیج‌فارس به اجمال پرداخته می‌شود.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]



نقشهٔ ۲. موقعیت جغرافیایی تنگهٔ رودان (تنگهٔ درگان) (نقشهٔ باستان‌شناسی کشور، ۱۴۰۰).



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای موقعیت جغرافیای طبیعی تنگهٔ رودان (تنگهٔ درگان)، (www.googleearth.com).

اولین پژوهش‌های دوران تاریخی در این منطقه مربوط به مطالعهٔ «ویلیامسون» از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱ م.، است؛ وی از جاسک تا بوشهر را بررسی نمود، اما گزارش مختصری از آن ارائه داد

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

(Williamson, 1972: 99). ویلیامسون، ریشهر را همان شهر «ریواردشیر» معرفی نمود و بسیاری از محوطه‌های ساسانی را در شبه‌جزیرهٔ بوشهر معرفی نمود. علاوه‌بر محوطه‌های ساسانی و اسلامی، یک محوطه از دورهٔ مس‌وسنگ در نزدیکی روستای هیله نیز معرفی کرد (Whitehouse & Wilkinson, 1971: 41). در سال‌های اخیر سفال‌های این محوطه توسط ویلیامسون و همکاران بازبینی شده است (Priestman & Kennet, 2002: 265). از دیگر باستان‌شناسان آمریکایی که در منطقهٔ بوشهر به مطالعاتی پرداخت، «دونالد ویتکمپ» بود که در سال ۱۹۷۳ م.، چندین محوطهٔ اشکانی و ساسانی را در شبه‌جزیرهٔ بوشهر شناسایی و بررسی کرد (Whitecomb, 1987: 311).

«بابک‌راد»، «غلامعلی شاملو»، «جهانگیر یاسی» و «حسین بختیاری» در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ هـ.ش.، بررسی‌هایی را در استان ساحلی انجام دادند (شاملو، ۱۳۵۱؛ یاسی، ۱۳۵۴). بابک‌راد و «لباف‌خانیکی» نیز بررسی‌هایی در جزیرهٔ قشم انجام دادند (راد، ۱۳۵۰). در سال ۱۳۸۴ هـ.ش.، «علیرضا خسروزاده» بررسی‌های کوتاهی در جزیرهٔ قشم و «مرتضی حصاری» در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ هـ.ش.، بررسی‌هایی در حوضهٔ مکران انجام‌داده و محوطه‌هایی از عصرآهن III تا دوران متأخر اسلامی را شناسایی نمودند (خسروزاده، ۱۳۸۴؛ حصاری، ۱۳۹۸).

سیراف به‌عنوان بزرگ‌ترین محوطهٔ ساحلی شمالی خلیج‌فارس در سال ۱۹۱۱ م.، توسط «سر آرنولد ویلسون» (ویلسون، ۱۳۴۸) و «پزارد» در سال ۱۹۱۴ م.، مورد بازدید قرارگرفت (Pezard, 1914). «اشتاین» نیز در سال ۱۹۳۳ م.، در سیراف کاوش‌هایی را انجام‌داد (Stein, 1936: 214). «وایت‌هاوس» از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳ م.، به‌مدت هفت فصل به کاوش در سیراف پرداخته و آثار با ارزشی از یک قلعهٔ ساسانی و مسجد، بازار و چندین اثر دیگر را شناسایی کرده است (Whitehouse, 1968; 1972).

یکی از مهم‌ترین گورستان‌های سنگ‌چین در شهرستان رودان به‌نام «گورستان گُروی» طی دو فصل توسط «عباس نوروزی» کاوش شد (نوروزی، ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶). در این کاوش ۴۴گور مورد بررسی قرار گرفت که با بررسی‌های به‌عمل‌آمده ازنظر شکل و ساختار شبیه به گورهای سنگ‌چین جنوب‌شرق ایران از نوع پشتهٔ سنگی هستند (خسروزاده، ۱۳۹۸: ۳۵).

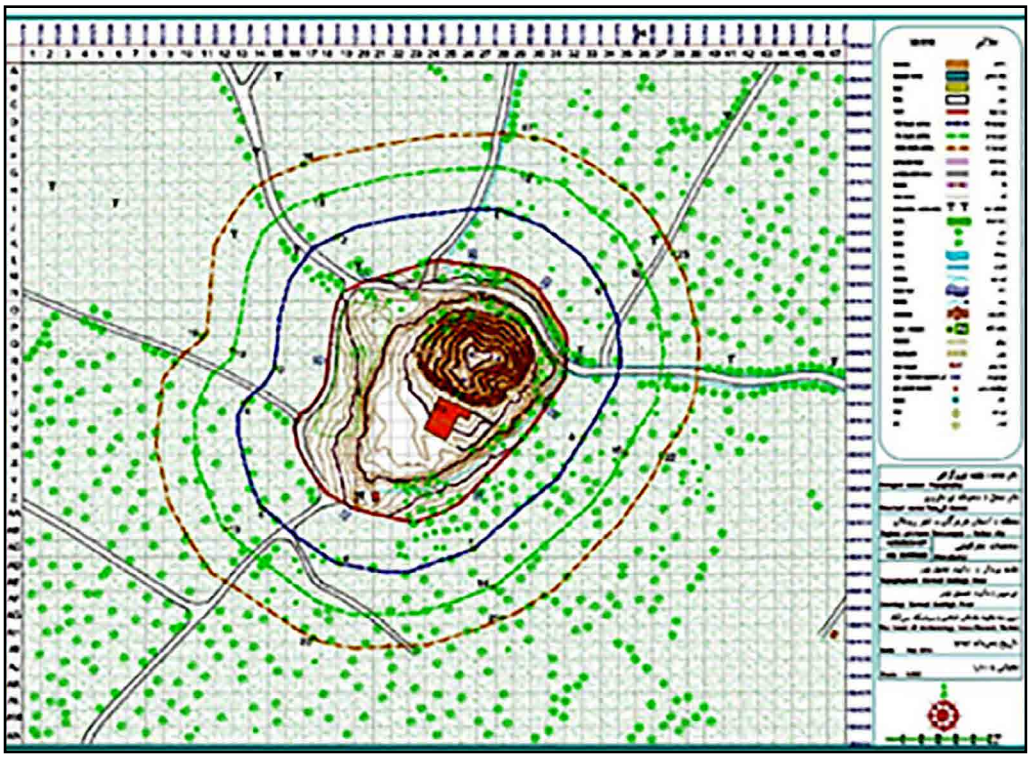
در زمینهٔ بررسی و شناسایی و پروژه‌های کاوش‌های باستان‌شناسی دشت میناب و رودان، ابتدا در سال ۱۳۸۴ هـ.ش.، هیأت مشترکی ازسوی پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی به‌سرپرستی «علیرضا خسروزاده» و دانشگاه دورهام بخشی از میناب را بررسی نمود (خسروزاده، ۱۳۸۴). خسروزاده و همکاران نیز در سال ۱۳۸۵ هـ.ش.، محوطهٔ کهور لنگرچینی را در این منطقه که بزرگ‌ترین محوطهٔ دورهٔ اشکانی در سواحل شمالی خلیج‌فارس بود شناسایی و بررسی کردند (خسروزاده و همکاران، ۱۳۸۵). سیامک سرلک در سال ۱۳۸۲ هـ.ش.، نیز به بررسی و شناسایی محوطه‌های دشت میناب پرداخت (سرلک، ۱۳۸۲). در نتیجه، سرلک در سه فصل در طی سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ یکی از محوطه‌های مهم منطقهٔ میناب به‌نام «کهور لنگرچینی» یا «نخل ابراهیمی» را کاوش کرد (سرلک، ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۸).

کاوش باستان‌شناسی تم‌مارون

یکی از محوطه‌های مهم دورهٔ اشکانی منطقهٔ خلیج‌فارس، تم‌مارون است. این محوطه تپه‌ای بسیار بلند به‌ابعاد حدود ۷۰×۶۰ متر به‌شکل بیضی است که درمیان باغات روستای خیرآباد در بخش مرکزی شهرستان رودان استان هرمزگان قراردارد (تصویر ۲). این تپه در سال ۱۳۸۴ هـ.ش.، توسط سرلک بررسی و در زمستان سال ۱۳۸۶ هـ.ش.، توسط وی کاوش شد (نقشهٔ ۳). سرلک براساس سفال‌های به‌دست‌آمده از لایه‌های مختلف، پنج دورهٔ فرهنگی در این تپه شناسایی کرده است (سرلک، ۱۳۹۱: ۳۷۴).

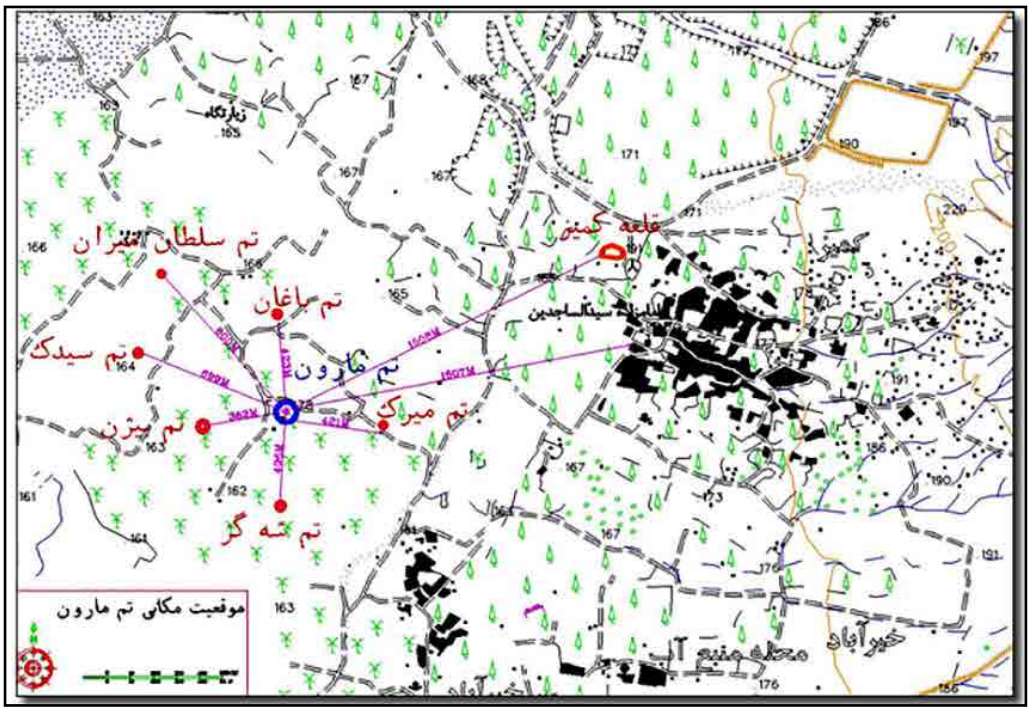
[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]



نقشهٔ ۳. نقشهٔ توپوگرافی تم‌مارون (سرلک، ۱۳۹۶: ۱۰).

تم‌مارون در فاصلهٔ دو کیلومتری غرب روستای قلعه‌کمیز و یک کیلومتری شرق روستای خیرآباد، از بخش مرکزی شهرستان رودان، استان هرمزگان قراردارد. تم‌مارون با تپه‌های اقماری خود (تم‌باغان، تم‌بیژن، تم‌سیدک، تم‌شه‌گز و تم‌سلطان‌میران) یک محوطهٔ باستانی وسیع را تشکیل می‌دادند که آثار استقراری دوره‌های مختلف فرهنگی را دربر گرفته است (سرلک، ۱۳۹۶: ۱۲)، (نقشهٔ ۴).



نقشهٔ ۴. موقعیت تم‌مارون نسبت به تپه‌های اقماری اطراف آن (سرلک، ۱۳۹۶: ۱۱).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]



تصویر ۲ .نمای عمومی تل مارون و نخلستان همجوار، برش لایه‌نگاری (سرلک، ۱۳۸۷).

مجموعه سفال دورهٔ اشکانی تم‌مارون

براساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده، حدود ۳۰۰ قطعه سفال شاخص از محوطهٔ تم‌مارون طی گمانه‌زنی باستان‌شناسی به‌دست آمده است. باتوجه به گونه‌شناسی، سفال‌هایی از عصر مفرغ قدیم تا دوران اسلامی در مجموعهٔ سفالی این محوطه یافت شده است؛ درنتیجه از حدود ۸۰ قطعه سفال شاخص متعلق به دورهٔ اشکانی در محوطهٔ تم‌مارون براساس شاخصه‌هایی مانند: شیوهٔ ساخت، نوع تزئین و... ۱۰گونهٔ سفال شناسایی شده است.

بایستی درنظر داشت که در لایه‌نگاری تل مارون، دورهٔ دوم آن (مارون B)، نشانه‌های استقراری از دورهٔ اواخر اشکانی و نیز اوایل ساسانی و در ادامهٔ همین کاوش، دورهٔ سوم (مارون C) حضور پررنگ استقرار اشکانی هستند، شده است؛ مشخصهٔ سفالی آن، سفال نامرد و لوندو است که توسط کاوشگر تل مارون به‌خوبی تشخیص داده شده است (تصویر ۳)، (سرلک، ۱۳۸۷؛ طرح، ۱)؛ در ادامهٔ این پژوهش، گونه‌های مختلف دیگر اشکانی نیز معرفی خواهند شد.

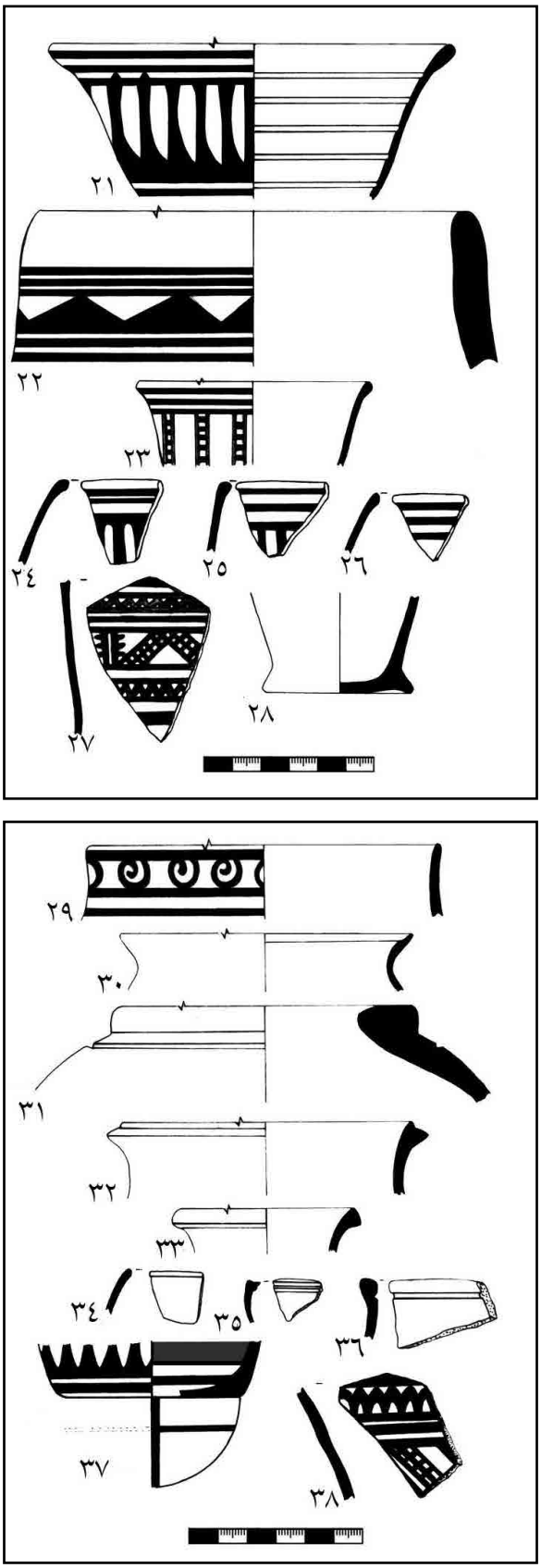
گونه‌های سفال اشکانی تم‌مارون

-سفال با خمیرهٔ آجری مایل به قرمز

این گونهٔ سفال‌ها دارای پوشش رقیق لعاب گلی نخودی‌رنگ هستند. خمیرهٔ آن‌ها نیمه‌ظریف و خشن و عمدتاً از نوع ماسه است. این سفال با پخت نسبتاً کافی، عموماً چرخ‌ساز است و در دو نوع ساده و منقوش کنده در این محوطه به‌دست آمده است (تصویر ۴).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]



تصویر ۳. نمونه سفال‌های نامرد و لندو از مرحلهٔ سوم کاوش لایه‌نگاری تم مارون (سرلک، ۱۳۸۷: طرح ۱).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]



تصویر ۴. سفال با خمیرهٔ آجری مایل به قرمز (سرلک، ۱۳۹۵: ۶۶).

-سفال با خمیرهٔ نخودی‌رنگ

این گونهٔ سفال‌ها دارای پوشش لعاب گلی نخودی‌رنگ هستند. خمیرهٔ آن‌ها نیمه‌ظریف تا خشن است. خمیرهٔ سفال عمدتاً از نوع ماسه بوده و دارای پخت کافی و عموماً چرخ‌ساز است و در دو نوع ساده و منقوش کنده (به‌صورت نقوش شیاری کنده و خطوط متقاطع ضربدری) در این محوطه به‌دست آمده است (تصویر ۵).



تصویر ۵. سفال با خمیرهٔ نخودی‌رنگ (سرلک، ۱۳۹۵: ۵۹).

-سفال با خمیرهٔ قهوه‌ای مایل به آجری

این گونهٔ سفال‌ها دارای پوشش رقیق لعاب گِلی قهوه‌ای‌رنگ هستند. خمیرهٔ آن‌ها نیمه‌ظریف تا خشن است. خمیرهٔ سفال عمدتاً از نوع ماسه بوده و این سفال با پخت کافی و عموماً به‌صورت چرخ‌ساز تولید شده است (تصویر ۶).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]



تصویر ۶. سفال قهوه‌ای مایل به آجری (سرلک، ۱۳۹۵: ۵۹).

-سفال با خمیرهٔ خاکستری

این گونه از سفال‌ها دارای پوشش قهوه‌ای-نارنجی‌رنگ صیقلی هستند. خمیرهٔ آن‌ها نیمه‌ظریف تا خشن است. خمیرهٔ سفال عمدتاً از نوع ماسهٔ پودرشده بوده که این سفال با پخت تقریباً کافی ساخته شده و غالب این گونه چرخ‌ساز است و دارای دو نوع ساده و منقوش با تزئینات سادهٔ هندسی است (تصویر ۷).



تصویر ۷. سفال با خمیرهٔ خاکستری (سرلک، ۱۳۹۵: ۸۴).

-سفال با لعاب تک‌رنگ زرد

این گونهٔ سفال دارای خمیرهٔ نخودی‌رنگ هستند. خمیرهٔ آن‌ها نیمه‌ظریف و عمدتاً از نوع ماسهٔ پودرشده است. این سفال با پخت تقریباً کافی ساخته شده و بیشتر چرخ‌ساز است (تصویر ۸).



تصویر ۸. سفال با لعاب تک‌رنگ زرد (سرلک، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

-سفال با لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای

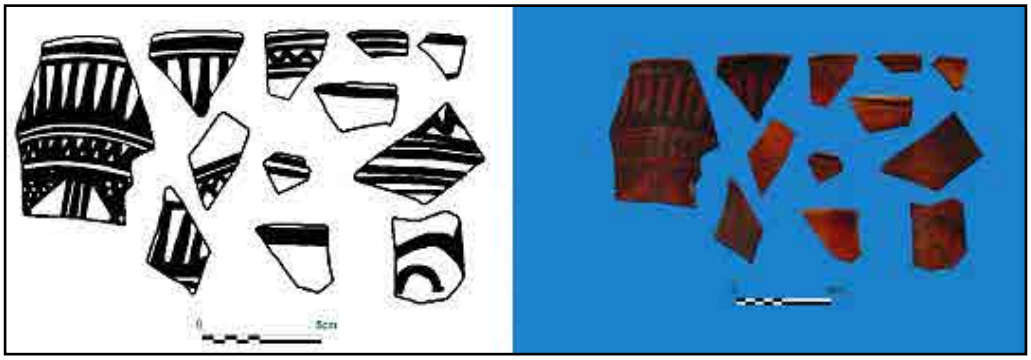
این گونهٔ سفال دارای خمیرهٔ نخودی‌رنگ بوده و خمیرهٔ آن‌ها نیمه‌ظریف است. این سفال با پخت کافی و عموماً چرخ‌ساز تولید شده و خمیرهٔ سفال نیز عمدتاً از نوع ماسهٔ پودرشده است (تصویر ۹).



تصویر ۹. سفال با لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای (سرلک، ۱۳۹۵: ۲۵۳).

-سفال گونه نامُرد

این گونهٔ سفال‌ها دارای خمیره و پوشش رنگ قرمز-قهوه‌ای است. این سفال با پخت نسبتاً کافی، عموماً چرخ‌ساز می‌باشد. خمیرهٔ سفال عمدتاً از نوع ماسهٔ پودرشده بوده که از ویژگی‌های سفال گونهٔ نامُرد این محوطه، می‌توان به استفاده از نقوش تزئینی هندسی سیاه‌رنگ برروی زمینهٔ قرمز-قهوه‌ای اشاره نمود (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. سفال گونهٔ نامُرد (سرلک، ۱۳۹۵: ۸۵).

سفال منقوش گونهٔ لاندو

این گونهٔ سفال‌ها دارای خمیره و پوشش خشن و نیمه‌خشن به‌رنگ قرمز-قهوه‌ای است. این سفال با پخت نسبتاً کافی، عموماً دست‌ساز است که در مناطق شرقی ایران نیز یافت می‌شود. خمیرهٔ سفال عمدتاً از نوع ماسهٔ پودرشده بوده و در این نوع سفال، بیشتر از نقوش تزئینی هندسی سیاه‌رنگ برروی زمینهٔ قرمز/ قهوه‌ای استفاده شده است (تصویر ۱۱).

-سفال شبه‌تگرگی دورهٔ اشکانی

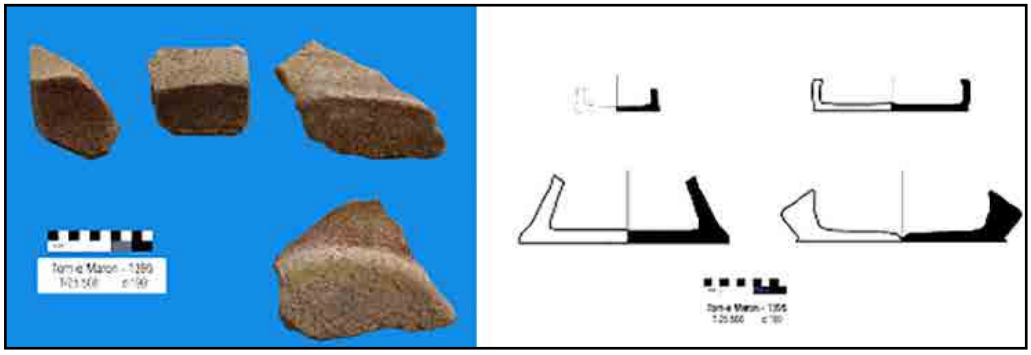
این گونه از سفال‌ها دارای خمیره و پوشش به‌رنگ قهوه‌ای بوده و به‌صورت نیمه‌ظریف تا خشن و عمدتاً به‌صورت چرخ‌ساز تولید شده است؛ آمیزهٔ سفال نیز عمدتاً از نوع ماسه و شن‌ریز است (تصویر ۱۲).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]



تصویر ۱۱. سفال منقوش گونهٔ لاندو (سرلک، ۱۳۹۵: ۸۸).



تصویر ۱۲. سفال شبه‌تگرگی دورهٔ اشکانی (سرلک، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

-سفال آشپزخانه‌ای

این گونه از سفال‌ها دارای خمیره و پوشش به‌رنگ قهوه‌ای تیره و روشن، خاکستری و سیاه است. این سفال با پخت نسبتاً ناقص، بیشتر چرخ‌ساز و آمیزهٔ سفال نیز عمدتاً از نوع ماسه و کاه بوده است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳. سفال آشپزخانه‌ای (سرلک، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

مطالعهٔ تطبیقی گونه‌های سفال اشکانی تم‌مارون

مطالعهٔ تطبیقی گونه‌های سفالی اشکانی در محوطهٔ تم‌مارون نشان‌دهندهٔ تنوع گونه‌های سفالی در این دوره است؛ به‌گونه‌ای که در این محوطه حدود ۱۰نمونه از گونه‌های سفالی دورهٔ اشکانی به‌دست آمده است (جدول ۱). از نمونه‌های بارز دورهٔ اشکانی می‌توان به سفال‌های گونهٔ نامُرد

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

و لاندو اشاره کرد (خسروزاده و سرلک، ۱۳۹۷). سفال‌های گونهٔ نامُرد (تصویر ۱۰) در محوطه‌های شاخص شمال خلیج‌فارس هم‌چون ریشهر (Whitehouse & Williamson, 1973)، دمبکوه (Basafa, 2008: Pl. 24) به‌دست آمده است (جدول ۱: ردیف ۹). نوع سفال (گونهٔ نامُرد) در بیشتر مناطق سواحل شمالی و حتی جنوبی خلیج‌فارس و محوطه‌های دورهٔ اشکانی این منطقه مانند ملیا، رأس‌مسندم و اد دور به‌دست آمده است (Lecomte, 1993: fig. 11; Benoist et al., 2003: fig. 18; De Cardi et al., 1975: Fig. 9). هم‌چنین از قانا در یمن و قلات بحرین نیز این نوع سفال معرفی شده است (Sedov, 1996: 21-23, fig.6, 2-7; Hojland & Anderson, 1977: 213-215). درخصوص گاه‌نگاری این نوع سفال، «پاتس» آن‌ها را به دو دورهٔ قدیمی پارت، قرن اول و دوم میلادی و گونهٔ جدید در اوایل ساسانی طبقه‌بندی نموده است (Potts, 1988: 211) .

سفال نوع لاندو (لندو)، (تصویر ۱۳) نیز یکی از بیشترین نمونه سفال‌های دورهٔ اشکانی محوطهٔ تم‌مارون است که از این گونه در مناطق سواحل جنوبی خلیج‌فارس، ملیحا (Benoist et al., 2003: fig. 8) و مناطق مکران در شرق ایران (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷) نیز نمونه‌های قابل‌مقایسه با این محوطه به‌دست آمده است (جدول ۱: ردیف ۱۰).

سفال لعاب تک‌رنگ زرد (تصویر ۸)، تک‌رنگ فیروزه‌ای (تصویر ۹) و سفال با خمیرهٔ خاکستری (تصویر ۷) نیز به‌عنوان دیگر نمونه‌های سفال‌های اشکانی این محوطه در مناطق شمالی خلیج‌فارس، به‌ویژه در منطقهٔ قشم (خسروزاده، ۱۳۹۲) به‌دست آمده است (جدول ۱: به‌ترتیب ردیف ۴، ۵ و ۶).

گونه‌های دیگر سفال‌هایی با خمیرهٔ نخودی‌رنگ (تصویر ۵) و خمیرهٔ قهوه‌ای مایل به آجری (تصویر ۴) نیز با توجه به قرارگیری در لایه‌های دورهٔ اشکانی به‌عنوان سفال‌های این دوره معرفی شده‌اند (جدول ۱: به‌ترتیب ردیف ۱ و ۲). ازلحاظ مقایسهٔ تطبیقی این سفال‌ها با محوطه‌های شمال‌شرقی ایران هم‌چون محوطهٔ اسماعیل‌آباد نیشابور (داوری و همکاران، ۱۳۹۷) قابل‌مقایسه هستند.

به‌طورکلی بررسی گونه‌شناسی و تطبیقی سفال‌های اشکانی محوطهٔ تم‌مارون هرمزگان درمورد هر یک از گروه‌های سفال نکاتی را آشکار می‌کند؛ سفال‌های دورهٔ اشکانی در این محوطه نشان‌دهندهٔ استفاده از گونه‌های متفاوت این دوره است.

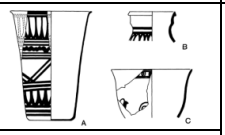
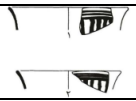
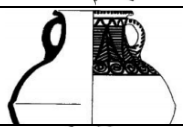
درنتیجهٔ مقایسه‌های انجام‌گرفته، مشخص‌شده که ازلحاظ شکل، شباهت‌هایی میان سفالینه‌های به‌دست‌آمده از این محوطه با سفال‌های محوطه‌های دورهٔ اشکانی مناطق شمالی و جنوبی خلیج‌فارس، شمال‌شرق ایران و منطقهٔ مکران وجود دارد؛ بر این‌اساس به‌نظر می‌رسد که پیوندهایی بین محوطهٔ تم‌مارون و محوطه‌های ذکرشده وجود داشته، که نشان‌دهندهٔ ارتباطات فرهنگی بین این مناطق است.

درهمین چارچوب می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین گونه‌های سفالی یافت‌شده از این محوطه، سفال نامُرد است. باتوجه به پراکندگی گستردهٔ سفال نامُرد در جنوب‌شرق ایران و سواحل شمالی و جنوبی خلیج‌فارس، احتمالاً این گونهٔ سفال در خلیج‌فارس به‌عنوان یک کالا در یک تجارت محدود و محلی بین محوطه‌های شمالی و جنوب خلیج‌فارس مبادله شده است؛ هرچند ویلیامسون منطقهٔ دشت رودان و میناب را به‌عنوان منطقهٔ تولید این گونهٔ سفال پیشنهاد داده است (Williamson, 1972). سفال گونهٔ نامُرد محوطهٔ تم‌مارون نیز به‌لحاظ شناسایی نمونه‌های قابل‌مقایسه در محوطه‌هایی هم‌چون: کوش (Kennet, 2002 : fig.6)، ملیحا در سواحل جنوبی خلیج‌فارس به‌دست آمده است (جدول ۱: ردیف ۹). گونهٔ شاخص دیگر به‌دست‌آمده از کاوش‌های محوطهٔ تم‌مارون، سفال گونهٔ لاندو است. این نوع سفال نیز با خمیرهٔ به‌رنگ قرمز-قهوه‌ای و دارای نقوش تزئینی هندسی سیاه‌رنگ برروی زمینهٔ قرمز-قهوه‌ای، با محوطه‌های شرق ایران، مکران جنوبی

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

جدول مطالعهٔ تطبیقی گونه‌های سفال اشکانی تم‌مارون (نگارندگان، ۱۴۰۰).

ردیف	گونه	تم‌مارون	محوطهٔ مشابه	شمال خلیج‌فارس	جنوب خلیج‌فارس
۱	خمیرهٔ آجری مایل به قرمز				
۲	خمیرهٔ نخودی‌رنگ			اسماعیل‌آباد نیشابور (داوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸)	
۳	خمیرهٔ قهوه‌ای مایل به آجری			اسماعیل‌آباد نیشابور (داوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۹)	
۴	خمیرهٔ خاکستری			جزیرهٔ قشم (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۰)	
۵	لعاب تک‌رنگ زرد			جزیرهٔ قشم (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۲)	امارات‌متحده، عمان، کویت، بحرین (خسروزاده، ۱۳۹۱: ۶۸)
۶	لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای			جزیرهٔ قشم (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۹۲)	امارات‌متحده، عمان، کویت، بحرین (خسروزاده، ۱۳۹۱: ۶۹)
۷	شبه‌تگرگی دورهٔ اشکانی				
۸	سفال آشپزخانه‌ای				با احتمال با نمونه‌های سیاه خشن، بحرین؛ امارات‌متحده (خسروزاده، ۱۳۹۱: ۷۱)
۹	گونهٔ نامُرد			ریشهر (Whitehouse & Williamson, 1973).	کوش (Kennet, 2002: Fig. 6)
				دمب‌کوه (Basafa, 2008: Pl. 24)	رأس‌السندم (De Cardi et al., 1975: Fig. 9)
					اددور (Lecotme, 1992: fig.11)
۱۰	سفال منقوش گونهٔ لاندو			سفال به‌دست‌آمده از ملیحا (Benoist et al., 2001: fig. 8)	ملیحا (Benoist et al., 2003 : fig.8)
				مکران جنوبی (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷)	

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

و سواحل شمالی خلیج‌فارس و ملیحا در سواحل جنوبی خلیج‌فارس قابل‌مقایسه است (خسروزاده، ۱۳۹۱؛ فرجامی، ۱۳۹۲؛ Benoist et al., 2001: fig.8). سفال‌های با خمیرهٔ نخودی‌رنگ، زردرنگ و با خمیرهٔ قهوه‌ای مایل به آجری محوطهٔ تم‌مارون نیز با اکثر مناطق سواحل شمالی خلیج‌فارس و در مناطق شمالی کشور، به‌ویژه در محوطهٔ اسماعیل‌آباد نیشابور قابل‌مقایسه است (داوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸ و ۸۹). هم‌چنین سفال‌های با لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای محوطهٔ تم‌مارون با محوطه‌های سواحل جنوبی خلیج‌فارس و همچنین با محوطه‌های جزیرهٔ کیش قابل‌مقایسه است (خسروزاده، ۱۳۹۱: ۶۸؛ ۱۳۹۲: ۹۲). این نوع سفال با تداوم در دوره‌های بعدی، به‌ویژه در دورهٔ ساسانی و قرون نخستین اسلامی با تنوع و کاربردهای مختلفی به‌کار رفته است. انجام مطالعات میان‌رشته‌ای می‌تواند گسترش فرهنگی سفال اشکانی را مشخص نماید؛ هرچند که گزارش اولیه از نتایج آزمایش عنصری سفال اشکانی نتوانسته است به‌خوبی در این‌امر راهنما باشد (صادقی، ۱۳۹۲: ۷-۶)، ولی باتوجه به گسترش گونه‌های سفال اشکانی در حوزهٔ فرهنگی خلیج‌فارس، تسلط و حضور فرهنگی اشکانیان در شمال‌شرق و خلیج‌فارس ازطریق مسیر دریایی به‌خوبی مورد شناسایی قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

تعلق و پیوند خلیج‌فارس به ایران‌زمین محدود به مجاورت جغرافیایی آن نیست، بلکه این دریا به‌همراه جزایر و سواحل آن به‌عنوان جزئی از قلمرو و فرهنگ ایران در دوره‌های مختلف تاریخی بوده و نماد بروز جلوه‌ها و آثار فرهنگ ایران است. در این پژوهش باتوجه به پراکندگی و گونه‌شناسی سفال‌های دورهٔ اشکانی در محوطه تل‌مارون، ارتباط این محوطه با محوطه‌های هم‌دوره مورد بررسی قرارگرفت. براساس پژوهش حاضر ۱۰گونهٔ سفال دورهٔ اشکانی شناسایی شد. نتایج مقایسات گونه‌شناسی نشان می‌دهد که وجوه اشتراک میان سفالینه‌های دورهٔ اشکانی منطقهٔ رودان و مناطق هم‌جوار و همچنین تفاوت آن‌ها با مناطق دوردست، گویای ارتباط گستردهٔ میان این مناطق با یکدیگر است. براساس ویژگی‌ها و گونه‌شناسی سفالینه‌های محوطهٔ تم‌مارون و بقایای کوره‌های پخت سفال، می‌توان نتیجه گرفت که این محوطه یکی از مراکز اصلی تولید سفال اشکانی سواحل شمالی خلیج‌فارس بوده است. سفال‌های سواحل شمالی خلیج‌فارس، کرمان، شمال‌شرق ایران و مناطق سواحل جنوبی خلیج‌فارس، بیشترین تشابهات را با سفال‌های تل‌مارون دارند؛ هم‌چنین براساس کاوش‌های باستان‌شناسی تل‌مارون و شواهد و داده‌های به‌دست‌آمده، به‌نظر می‌رسد محوطه‌های دورهٔ اشکانی در دشت رودان با سایر محوطه‌های هم‌افق در حوزهٔ فرهنگی خلیج‌فارس از یک الگوی هم‌گون فرهنگی تبعیت می‌کنند. این موضوع در نمونه‌های سفال اشکانی در کشورهای جنوبی خلیج‌فارس باتوجه به تعداد زیاد محوطه‌های شمالی خلیج‌فارس و تولید گستردهٔ آن در استقرارگاه‌های مذکور نیز صدق می‌کند.

سپاسگزاری.

آز آقای دکتر سیامک سرلک جهت در اختیار گذاشتن گزارش و منابع کاوش تل مارون، صمیمانه قدردانی می گردد.

کتابنامه

- اصلاح عربانی، ابراهیم، (۱۳۴۵). راهنمای شهرهای ایران. تهران.
- حصاری، مرتضی، (۱۳۹۸). «مجموعه مقالات میراث‌فرهنگی خلیج‌فارس». انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۸۴). «گزارش بررسی باستان‌شناسی سواحل تنگهٔ هرمز و دریای عمان در شهرستان میناب»، تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۹۱). «حضور پارتیان در مناطق جنوبی خلیج‌فارس (شرق و جنوب‌شرق شبه‌جزیره عربستان) براساس مدارک باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از محوطه‌های پارتی سواحل جنوبی خلیج‌فارس». مطالعات باستان‌شناسی، دورهٔ ۴، شمارهٔ ۲، صص: ۸۱-۶۳.
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۹۲). «محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیرهٔ قشم». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دورهٔ سوم، شمارهٔ پنجم، صص: ۱۰۰-۷۹.
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۹۸). باستان‌شناسی خلیج‌فارس در دورهٔ اشکانی و ساسانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم‌انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- خسروزاده، علیرضا؛ و سرلک، سیامک، (۱۳۹۷). «سفال منقوش نامرد: سفال مربوط به اواخر دورهٔ پارت و دورهٔ ساسانی جنوب‌شرق ایران و سواحل خلیج‌فارس». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شمارهٔ ۲، سال دوم، صص: ۸۲-۶۷.
- خسروزاده، علیرضا؛ و عالی، ابوالفضل، (۱۳۸۵). «کهور لنگرچینی؛ بندرگاهی اشکانی بر سواحل خلیج‌فارس». گزارش‌های باستان‌شناسی، شمارهٔ ۵، صص: ۷۰-۵۵.
- داوری، محمدصادق؛ موسیوند، فاطمه؛ و باصفا، حسن، (۱۳۹۷). «تبیین شاخصه‌های سفالی اوایل دورهٔ پارتی در حوضهٔ کشف‌رود: براساس گونه‌شناسی سفال‌های تپه اسماعیل‌آباد». مجلهٔ مطالعات باستان‌شناسی، دورهٔ ۱۰، شمارهٔ ۱، صص: ۹۴-۷۵.
- بابک‌راد، جواد، ۱۳۵۰. «آثار ساسانی خلیج‌فارس (جزیرهٔ قشم)». بررسی‌های تاریخی جلد ۶، سال ۴، صص: ۱-۳۰.
- رزم‌آرا، حسینعلی، (۱۳۵۵). فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها). تهران: ۱۳۳۸-۱۳۳۹.
- سدیدالسلطنه‌کبابی، محمدعلی، (۱۳۶۳). بندرعباس و خلیج فارس: "اعالم‌الناس فی احوال بندرعباس". تهران: چاپ احمد اقتداری.
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۲). «گزارش نخستین فصل بررسی‌های باستان‌شناسی دشت میناب-استان هرمزگان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۶). «گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطهٔ نخل‌ابراهیمی (مغ‌بریمی) شهرستان میناب-استان هرمزگان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۷). «گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطهٔ نخل‌ابراهیمی (مغ‌بریمی) شهرستان میناب-استان هرمزگان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).
- سرلک، سیامک (۱۳۸۷). «گزارش گزارش کاوش به‌منظور لایه‌نگاری تم مارون و تم سلطان میران شهرستان رودان-استان هرمزگان». تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، (گزارش منتشر نشده).
- سرلک، سیامک، (۱۳۸۸). «گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطهٔ نخل‌ابراهیمی (مغ‌بریمی) شهرستان میناب-استان هرمزگان». تهران: مرکز اسناد پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشرنشده).
- سرلک، سیامک، (۱۳۹۱). «لایه‌نگاری تم‌مارون و سلطان میران؛ رودان، استان هرمزگان، پاییز و زمستان ۱۳۸۶». پژوهشنامهٔ خلیج‌فارس، دفتر چهارم، به‌کوشش: عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران: خانهٔ کتاب.
- سرلک، سیامک، (۱۳۹۵). «گزارش مقدماتی فصل پنجم کاوش‌های باستان‌شناسی تم‌مارون». پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران (منتشرنشده).

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

- سرلک، سیامک، (۱۳۹۶). «گزارش مقدماتی فصل ششم کاوش‌های باستان‌شناسی تم‌مارون». پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران (منتشرنشده).
- سرلک، سیامک؛ و عقیلی، شیرین، (۱۳۹۲). «دشت میناب در دوران اسلامی؛ با اتکا به مدارک به‌دست‌آمده از فاز نخست بررسی‌های باستان‌شناختی دشت میناب». مجلهٔ اثر، شمارهٔ ۶۲، صص: ۳۴-۱۷.
- شاملو، غلامعلی، (۱۳۵۱)، «کاوش در اطراف بندر میناب». باستان‌شناسی و هنر ایران، شمارهٔ ۹ و ۱۰، صص: ۱۲۸-۱۲۴.
- صادقی، نسیم، (۱۳۹۲). «خلیج‌فارس، قلب تپندهٔ اشکانی، بررسی و آنالیز سفال‌های اشکانی محوطهٔ تم‌مارون در استان هرمزگان». اولین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بیرجند: صص: ۱۹-۱.
- فرجامی، محمد، (۱۳۹۲). «گسترش سفال لوندو در محدودهٔ خراسان جنوبی». اولین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بیرجند.
- ویلسون، آرنولد، (۱۳۴۸). خلیج‌فارس. ترجمهٔ محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- نوروزی، عباس، (۱۳۸۴). «گزارش مقدماتی فصل نخست کاوش های گورستان گروی رودان». پژوهشکدهٔ باستان شناسی، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران، (منتشر نشده).
- نوروزی، عباس، (۱۳۸۶). «گزارش مقدماتی فصل دوم کاوش های گورستان گروی رودان». پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران (منتشر نشده).
- مهرآفرین، رضا؛ فاطمه علیزاده؛ و شیرازی، روح الله، (۱۳۹۱). «سفال مکران در دورهٔ اشکانی و همگونی آن با مناطق همجوار». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامهٔ باستان‌شناسی)، سال ۲، شماره ۳، صص: ۷-۲۴.
- یاسی، جهانگیر، (۱۳۵۴). «گزارش بررسی‌های استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج‌فارس و بحر عمان». بندرعباس: مرکز اسناد ادارهٔ کل میراث‌فرهنگی استان هرمزگان.

- Babak Rad, J., (1350). "Sassanid Artifacts of the Persian Gulf (Qeshm Island)". *Historical review,* Vol. 6, Pp: 1-30 (in Persian).

- Basafa, H., (2008). "A new perspective on Dambakoh site in southeast Iran". *Iranica Antiqua,* No. XLIII, Pp: 185-206.

- Benoist, A.; Mouton, M. & Schiettecatte, J., (2003). "The Artifacts from the Fort at Mleiha: Distribution, Origins, Trade and Dating". *Proceeding of the Seminar for Arabian Studies,* No. 33, Pp: 59-76.

- Davari, M.; Musivand, F. & Basafa, H., (1397). "Explanation of Early Parthian pottery characteristics in Kashf Rood Basin: based on the typology of Ismailabad Teppe Pottery". *Journal of Archaeological Studie,* Vol. 10, No. 1, Pp: 75-94 (in Persian).

- De Cardim, B.; Vita, F. & Coles, A., (1975). "Archaeological survey in Northern Oman, 1972". *East and west,* No. 25, Pp: 9-27.

- Farjami, M., (1392). *Expansion of Londo pottery in South Khorasan.* The first national archeology conference of Iran, Birjand (in Persian).

- Hesari, M., (1398). *Collection of articles on the cultural heritage of the Persian Gulf.* Publications of Cultural Heritage and Tourism Research Institute (in Persian).

- Hojlund, F. & Andersen, H., (1997). *Qala'at al-Bahrain.* Vol. 2, The the Central Monumental Buildings, Aarhus.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

- Islah Arabani, I., (1345). *Gide to Iranian cities* (in Persian).

- Kennet, D., (2002). "Sasanian pottery in Southern Iran and Eastern Arabia". *IRAN*, No. XL, Pp: 153-162.

- Khosrowzadeh, A. & Sarlak, S., (1397). "Namard in scribed pottery: pottery related to the Late Parthian period and the Sassanid in the southeast of Iran and coast of the Persian Gulf". *Parseh Archaeological Studies*, No. 2, Vol. 2, Pp: 67-82 (in Persian).

- Khosrowzadeh, A., (1348). *Report on the archaeological survey of the coasts of the Strait of Hormuz and the Sea of Oman in Minab city*. Tehran: Archeology Research Institute Document Center (Unpublished) (in Persian).

- Khosrowzadeh, A., (1391). "The presence of the Parthians in the southern regions of the Persian Gulf (east and southeast of the Arabian Peninsula) based on archaeological evidence obtained from the Parthian sites of the southern coasts of the Persian Gulf". *Archaeological studies,* Vol. 4, No. 2, Pp: 63-81 (in Persian).

- Khosrowzadeh, A., (1392). "Parthian sites and settlements of Qeshm Island". *Archaeological Researches of Iran,* Vol. 3, No. 5, Pp: 79-100 (in Persian).

- Khosrowzadeh, A., (1398). *Archeology of the Persian Gulf in the Parthian and Sasanian Periods.* Tehran: Organization for studying and compiling Humanities Books of Universities (Samt) (in Persian).

- Lecomte, O., 1993, "Ed-Dur, les occupations des 3e et 4e s. ap. J.-C.: Contexte des trouvailles et matériel diagnostique". In: Finkbeiner, U., ed. *Materialien zur Archäologie der Seleukiden- und Partherzeit im südlichen Babylonien und im Golfgebiet.* Tübingen: Wasmuth, Pp: 195–217.

- Mac Call, G. J. H., (1982). *Explanatory Text of the Minab Quadrangle Map 1:250000 Geological Survey of Iran.*

- Mehrafarin, R.; Alizadeh, F. & Shirazi, R., (1391). "Makran pottery in the Parthian period and its homogenetiy with neighboring regions". *Archaeological Researches of Iran (Archaeology Letter).* Vol. 2, No. 3, Pp: 7-24 (in Persian).

- Nowrozi, A., (1348). "Preliminary report of the first chapter of Geroi Rodan cemetery excavations". Research Institute of Archaeology, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran (Unpublished) (in Persian).

- Nowrozi, A., (1386). *Preliminary report of the second chapter of the excavations of Geroi Rodan cemetery (in Persian).* Archaeological Research Institute, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran (Unpublished) (in Persian).

- Pezard, M., (1914), *Mission a Bender-Biuchir.* Paris.

- Potts, D. T., (1998). "Namord ware in southeastern Arabia". In: C. S Phillips, D. T Potts & J. Searight (eds.), *Arabia and her neighbors. Essays on prehistorical developments presented in honour of Beatrice de Cardi.* Abiel II, Brepols, Pp: 207-220.

- Priestman, S. M. N. & Kennet, D., (2002). "The Williamson Collection Project: Sasanian and Islamic Pottery from Southern Iran". *Iran*, Vol. 40, Pp: 265-267.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

- Razmara, H., (1355). *Geographical culture of Iran.* Tehran: 1338-1339 (in Persian).

- Sadeghi, N., (1392). "Persian Gulf, the beating heart of Parthian, investigation and analysis of Parthian pottery from Tom Maron site in Hormozgan province". *The first national archeological conference of Iran.* Birjand, Pp: 1-19 (in Persian).

- Sarlak, S. & Aghili, Sh., (1392). "Minab plain in the Islamic era: Relying on the documents obtained from the first phase of the archaeological investigations of the Minab plain". *Journal of Art*, No. 62, Pp: 17-34 (in Persian).

- Sarlak, S., (1382). "Report of the first chapter of the archaeological investigations of Minab plain. Hormozgan province". Tehran: Archeology Research Institute Document Center (Unpublished) (in Persian).

- Sarlak, S., (1395). "Preliminary report of the fifth chapter of the archaeological excavations of Tom Maron". Tehran: Archaeological Research Institute, Cultural Heritage and Tourism Research Institute (Unpublished) (in Persian).

- Sarlak, S., (1396). "Preliminary report of the sixth chapter of the archaeological excavations of Tom Maron Archaeological Research Institute". Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute (Unpublished) (in Persian).

- Sarlak. S., (1386). "Preliminary report of the first season of archaeological excavations in the area of Nakhl Ebrahimi (Mogh Barimi)". Minab city, Hormozgan province, Tehran: Archeology Research Institute Documentation Center (unpublished) (in Persian).

- Sedov, A. V., (1996). "Qana' (Yemen) and the Indian Ocean the archaeological evidence". In: H. P Ray & J. F Salles (eds), *Tradition and Archaeology, early maritime contacts in the Indian Ocean. Proceeding of the international seminar Techno-Archaeological Perspective of Seafaring in the Indian Ocean 4th cent. B.C. – 15th cent*. A. D. New Delhi, Feb. 28 – March 4, New Delhi, Pp: 11-35.

- Shamlou, Gh., (1351). "Exploring around Minab Port". *Archeology and Art of Iran*. No. 9 and 10, Pp: 124-128 (in Persian).

- Stein, A., (1396). "An Archaeological tour in the ancient Persis". *Iraq*, No. 13, No. 2, Pp: 111-225.

- Whitcomb, D. S., (1987). "Bushire and the angali canal". *Mesopotamia,* No. 22, P: 311.

- Whitehouse, D. & Williamson, A., (1973). "Sasanian Maritime Trade". *IRAN*, No. 11, Pp: 29-49.

- Whitehouse, D., (1968). "Excavation at Siraf. First interim report". *IRAN*, No. 6, Pp: 1-22.

- Whitehouse, D., (1972). "Excavation at Siraf. Fifth interim report". *IRAN,* No. 10, Pp: 63-87.

- Williamson, A., (1972). "Persian Gulf commerce in the Sasanian period and the first two Centuries of Islam". *Bastan Shenasi va Honar-e Iran,* No. 9-10, Pp: 97-112.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]

- Wilsson, A., (1348). *Persian Gulf.* Translated by: Mohammad Saeedi, Tehran: Translation and publishing company (in Persian).

- Yasi, J., (1354). *Report of investigations of the coastal province of the ports and islands of the Persian Gulf and the Oman Sea*. Bandar Abbas: Document Center of the General Directorate of Cultural Heritage of Hormozgan Province (in Persian).

- www.googleearth.com

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.66224/PJAS.6.19.75]